

## دو‌زبانگی و رابطه آن با مهارت‌های تفکر انتقادی

یحیی معروفی\*

اسماعیل محمدی‌نیا\*\*

### چکیده

هدف اصلی این پژوهش مقایسه مهارت‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان دو‌زبانه و یک‌زبانه بوده است. روش پژوهش علی-مقایسه‌ای است و جامعه آماری پژوهش را تمامی دانش‌آموزان دو‌زبانه و یک‌زبانه دوره راهنمایی تحصیلی شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ تشکیل داده‌اند. نمونه‌ای به حجم ۳۸۱ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و از پرسش‌نامه مهارت‌های تفکر انتقادی فرم ب کالیفرنیا به‌عنوان ابزار جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی، آزمون t در گروه‌های مستقل، t هتلینگ و رگرسیون چند متغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که میانگین مهارت‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان مورد مطالعه ۶/۹۳ از ۳۴ و در سطح ضعیفی قرار دارد. بین میانگین تفکر انتقادی دانش‌آموزان دو‌زبانه و یک

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۲/۱۴ تاریخ شروع بررسی: ۹۰/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۶/۲۹

\* استادیار دانشگاه بوعلی سینا همدان y.maroofi2007@gmail.com

\*\* کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه پیام نور همدان

زبانۀ تفاوت معناداری وجود دارد و میانگین تفکر انتقادی دانش‌آموزان دوزبانۀ، هم در مهارت کلی تفکر انتقادی و هم در برخی خرده مهارت‌های تشکیل دهنده آن، بالاتر از دانش‌آموزان یک زبانۀ است. نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره حاکی از معناداری رگرسیون بوده و متغیرهای زبان و جنسیت دانش‌آموز به ترتیب بیشترین سهم را در تبیین متغیر ملاک داشته است. براساس یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که دو زبانگی نه فقط تهدید نیست، بلکه در صورت توجه مناسب و به موقع به زبان مادری، می‌تواند به تقویت دیگر مهارت‌های شناختی و از جمله مهارت‌های تفکر انتقادی منجر شود.

کلیدواژه‌ها: دوزبانگی، مهارت‌های تفکر انتقادی، دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی

#### مقدمه

انسان امروزی بیش از هر زمان دیگری با گنجینه عظیمی از دانش و تجارب بشری مواجه است و هر روز نیز بر گستره و سیطره این گنجینه افزوده می‌شود. علی‌رغم این که دسترسی به این گنجینه یا اطلاعات از طریق منابع متعدد به سهولت میسر شده است، اما انتخاب و گزینش اطلاعات مناسب و به هنگام از بین انبوه اطلاعات به کاری بس دشوار تبدیل شده است و نیازمند مهارت‌هایی فکری و ذهنی بالایی است. مهارت‌های فکری انواع مختلفی دارند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مهارت «تفکر انتقادی» است. تفکر انتقادی به زبان خیلی ساده به توانایی فرد برای تحلیل و ارزشیابی اطلاعات اطلاق می‌شود. متفکر انتقادی سؤالات اساسی و مسائلی را مطرح و آن‌ها را به‌طور صریح تنظیم می‌کند، به جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات مرتبط می‌پردازد، ایده‌های انتزاعی را مورد استفاده قرار می‌دهد، با ذهن باز فکر می‌کند و با دیگران به‌طور اثربخش ارتباط برقرار می‌سازد. اما متفکران غیر انتقادی از نگاهی خود محور به دنیا می‌نگرند، پرسش‌ها را با بلی و خیر پاسخ می‌دهند، دیدگاه خود را تنها دیدگاه معقول می‌پندارند و واقعیت‌های ذهنی خود را تنها واقعیت‌های موجود فرض می‌کنند (دورون<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۶). از این رو، کسب مهارت‌های تفکر انتقادی در دنیای امروز بیش از هر زمان دیگری به ضرورتی غیر قابل انکار در بازار کار، رویارویی با سؤالات مادی و معنوی، ارزیابی دیدگاه‌ها، خط‌مشی‌های افراد، مؤسسات و نهایتاً مواجهه با مشکلات اجتماعی تبدیل شده است (هاتچر<sup>۲</sup> و اسپنسر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵).

صاحب‌نظران در خصوص ارتباط بین زبان و تفکر دیدگاه‌های متفاوتی مطرح ساخته‌اند.